

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

نویسنده: جلال ایجادى  
فرستنده: عثمان حیدرى  
۱۸ می ۲۰۱۷

## قرآن، نه کلام خدا، نه الهام محمد، نوشته ای تاریخی التقاطی

(بخش پنجم)



جلال ایجادى

در چهار شماره پیشین به نقد قرآن و از خودبیگانگی نسبت به آن پرداخته و به توضیح قرآن های گوناگون و اهمیت کشف هرمنوتیک ریشه قرآن اقدام نمودم. در این بخش به هرمنوتیک زبانشناسی قرآن پرداخته، بر نظریه نزول قرآن انتقاد نوشته، بر اهمیت نسخه های صنعا و ضرورت نقد دین تأکید می کنم.

### قرآن نازل نشده است

آیا قرآن از ابتداء دارای منشای آسمانی و الهی است یا محصول یک تاریخ متضاد و بسیار طولانی می باشد؟ آیا قرآن دارای زبان عربی فصیح و روشن و اعجازی عربی است یا از زبانی گنگ و نارسا برخوردار بوده و نتیجه کارپردازی چند سده تلاش سیاسی و دستوری و آوایی و زبانی، به شمار می آید؟ مبلغان روانپزش دینی و رسانه های مبلغ اعتقادات دینی خرافه گرا، قرآن را رویاهای پیامبر، الهام محمد یا کلام الله که از طریق جبرائیل به پیامبر ارسال شده است، می دانند. هر یک از این ادعا ها جز افسانه گوئی و اوهام پراکنی و اعتقادات ضدخرد، چیز دیگری نیست. این اعتقادات بیانگر معنویت و آرمانگرایی و ارزش های برجسته انسانی نیست، بلکه باورهای ضد علمی، ضد تاریخی و ضد خرد و عقل است. هدف این گونه تبلیغات ایدئولوژیک دینی بازتولید وابستگی روانی به اوهام و احساسات ارکائیک و پاتولوژیک و بازتولید مسخ شدگی و از خودبیگانگی انسانها می باشد. من در تحقیقات کنونی خود برای اولین بار در زبان فارسی در باره قرآن، نظریه علمی و هرمنوتیک و جامعه شناختی و تاریخی

جدیدی مطرح می‌کنم و تا کنون نشان داده‌ام که قرآن نه کلام الهی است، نه الهام محمد است، بلکه یک کتاب تاریخی است که طی یک روند ۲۰۰ ساله تنظیم شده است و دارای منشأهای گوناگون دینی و اجتماعی و نوشتاری و زبانی می‌باشد. این گونه بررسی علمی و هرمنوتیک از سده نوزدهم در غرب شروع گشته ولی تبلیغات و فشارهای سیاسی و اسلامی حکومتی و نخبگان سنتی و نواندیش اسلامی و نیز دین خوئی روشنفکران چپ و ملی و جمهوریخواه مسخ شده، مانع توسعه این روش های علمی در دنیای اسلامی شده است. ما روشنفکران ناباور و دانشگاهی با روش علمی و با دقت، کار خود را باید پیگیری کنیم و از فشارها نهراسیم. هدف ما جست و جوی حقیقت است، ما تابع روسانتیمان بدوی و انتقام جوئی نیستیم، ما با اتکاء به عقل و روش علمی، نادانی‌ها و زخم‌ها و آسیب‌ها و از خودبیگانگی‌ها و بحرانها را مورد بررسی قرار داده و در برابر هیچ قدرتی تسلیم نمی‌شویم.

در زمینه قرآن‌شناسی، ما اعلام نمودیم که این کتاب خلاف آنچه که خود اعلام نموده، به تاریخ تعلق دارد و خود دارای تاریخ است. قرآن آفریده قدرت الهی و آسمانی نیست، قرآن را انسانها در دورانهای گوناگون به وجود آورده‌اند. در باره قرآن، آیات چنین می‌گویند:

سورة النحل می‌آورد:

«و نیک می‌دانیم که آنان می‌گویند جز این نیست که بشری به او می‌آموزد [نه چنین نیست زیرا] زبان کسی که [این] نسبت را به او می‌دهند غیر عربی است و این [قرآن] به زبان عربی روشن است» (۱۰۳)

سورة الشعراء می‌گوید:

و راستی که این [قرآن] وحی پروردگار جهانیان است (۱۹۲) روح الامین آن را بر دلت نازل کرد (۱۹۳) تا از [جمله] هشداردهندگان باشی (۱۹۴) به زبان عربی روشن (۱۹۵)

در برابر این ادعای قرآنی، بلافاصله بگوئیم که بنابه تحلیل زبانشناسان و اسلام‌شناسان آکادمیک، بخش مهمی از مطالب این قرآن در ابتداء ناشی از «بشر» غیرعرب خارج از سرزمین حجاز بوده، زبان آغازین قرآن نه عربی بلکه پاره‌های ناشی از آرامی و سیریایک و عبری بوده، ساختار نوشتار قرآنی طی دو بیست سال تغییر و تنظیم و دستکاری تهیه شده، و قرآن فاقد فصاحت و روشنائی ساختاری و دستوری و محتوایی محکم می‌باشد. این ابهام‌ها و ناروشنی‌ها از تاریخ قرآن جدا ناپذیر می‌باشند. بنابراین به تاریخ واقعی قرآن باید رجوع کرد و با شیوه هرمنوتیک تاریخی و تبارشناسی گسترده به واقعبیت آن نزدیک شد. البته همانگونه که در آیت سورة الشعراء مشاهده می‌کنیم اعلام می‌شود که خدا قرآن را نازل کرده است و جبرائیل رابطه برای وحی به محمد بوده است. به این ترتیب «قرآن» از نظر قرآن‌دارای منشای ازلی و الهی و آسمانی است. ما به مثابه جامعه‌شناس و متفکر علمی نمی‌توانیم چنین جزییات غیرعقلانی را بپذیریم. ازل یعنی چه؟ از نظر واژه‌شناسی ازل یعنی زمان بی‌ابتداء. حال زمان بی‌ابتدای قرآن چیست؟ زمان هستی‌شناسانه فلسفه؟ زمان پیدایش انسان؟ زمان کهکشان‌ها؟ زمان بیگ بانگ؟ زمان ادیان ابراهیمی؟ زمان از نگاه پناهوتپ در مصر باستان؟ زمان در فلسفه هندی با چرخه‌های پیوسته از آفرینش، نابودی و نوزائی جهان؟ زمان افلاتون و ارسطو؟ زمان آلبرت انیشتن و استفن هاوگینگ؟ زمان کانت و هایدگر؟ پرسش ما اینست که زمان الله چیست؟ آیا از ازل یا از ابتدای هستی قرآن نوشته شده است؟ اگر چنین است پس چرا تمام فضای موجود در قرآن، جغرافیای آن، جدالهای قبایل، خشونت جنگی محمد، قواعد اجتماعی موجود در قرآن، همه و همه با شرایط معین و ویژه‌ای ارتباط برقرار می‌کنند و در پیوند با زمان مشخص هستند؟ تمام قرآن زمانمند است و بند بند آن با تاریخ ارتباط دارد.

ادعای دین مبنی بر ازلی دانستن و آسمانی دانستن قرآن مورد قبول علم نمی تواند باشد زیرا هیچ نوشته ای از خلاء زاده نمی شود، بلکه محصول یک محیط و تاریخ و زبان انسانهاست. به علاوه روش ما در بررسی همه ادیان متکی بر معیارهای یگانه علمی است. قرآن مسلمانان به همان شکلی ارزیابی می گردد که سایر کتابهای مذهبی مانند تورات و انجیل و اوستا، مورد تحلیل قرار گرفته شده اند. قرآن نازل نشده است، قرآن ساخته و تدوین شده است. بینش تاریخی و هرمنوتیک، پشتوانه چنین کشفی است. کتاب دینی را دیدگاه دینی نمی تواند تحلیل علمی کند، کتاب دینی با بینش دانشگاهی و پژوهشگری تاریخی قابل ارزیابی درست است. در نوشته های پیشین نشان دادیم که قرآن محصول تاریخ است و به طور دقیق، با دلایل فراوان، غیرآسمانی بودن قرآن را شکافتیم. حال در اینجا به کار تبارشناسی تاریخی ادامه می دهیم. تمامی قرآن با انسانها، حوادث، جدال ها، منافع گروهی و شخصی، خشونت های اجتماعی و سیاسی، اساطیر و تابوها، مقررات و سنت های دوران خود و دوره پیش از تولد خود درگیر است و بنابراین کلام و روح قرآن سرشار از نشانه و بار تاریخ است. قرآن جهانشمول و انیورسال نیست، قرآن به طور عمده بازتابی از دنیای اقوام سامی می باشد.

### قرآن با میراث دیگران

دانشمندان بسیاری هستند که قرآن را به بررسی انتقادی سپرده اند و رازهای آن را آشکار ساخته اند. قرآن خود را ازلی و آسمانی و مقدس معرفی می کند، ولی تاریخ این ادعا را نفی کرده و نشان می دهد چگونه بند بند قرآن از داده ها و پدیده ها تأثیر گرفته است. یک کتاب دینی در پی حفظ راز و ابهام است تا قدرت تأثیر گذاری خود را نگهداری کند. حال آن که بررسی تاریخی به اجزا و امور خرد و کلان پدیده می پردازد تا به واقعیت آن پی ببرد و بناگزی رازدانی می کند. مؤرخان جدی با پرسشگری و جست و جوگری رازگشائی نموده و با توجه به نگرش و سلیقه و هدفی که دارند به انتخاب دست می زنند و از بستر ذهنی راز و جادو و تقدس بیرون آمده و روشنائی آور هستند. یکی از کلیدهای رازگشائی قرآن مطالعه زبانشناسانه قرآن است و دانشمندان متعددی این جنبه را مورد تحلیل خود قرار داده اند.

جلال الدین الایسوی حکیم شافعی اشعری و صوفی به سال ۱۴۴۶ میلادی در قاهره متولد گشته، از پدر و مادر ایرانی زاده شده و معروف به «فرزند کتاب» بوده است. او که فردی پرکار و کتاب خوان و تفسیرگر بود، «متهم» به «اجتهاد» شده و توسط روحانیون رسمی و سنتی مورد طرد قرار گرفت. او دارای شخصیتی عرفانی است و ادعا داشت که ۶۲ بار محمد پیامبر را در خواب دیده است. او نگاه موشکافانه ای به قرآن دارد و با کار خود به رازگشائی در مورد «قرآن مقدس» دست زده است. از میان کتابهای جلال الدین الایسوی باید از «درباره علوم قرآنی» نام برد. جلال الدین الایسوی در این کتاب بیان می کند که در قرآن ۶۶۱۶ واژه غیر عربی وجود دارد. او می گوید این صفت ها و قیدها و واژه های خارجی در قرآن از زبان فارسی، نباتان، عبری، سیریاک، یونانی، قبطی، هندی و غیره آمده است. این تحقیق نشان می دهد که متن قرآن، که «الهی و مقدس» معرفی می شود، از زبانهای غیر عربی مردم دیگر بسیار وام گرفته است.

قرآن خود را بیان فصیح عربی و کلام الله می داند ولی در واقع دارای زبانی است که محصول محیط و تاریخ است. قرآن مانند همه زبانها متأثر از حوادث است و واژه های غیر عربی – که ریشه عربی ندارند ولی شکل عربی به خود گرفته و معرب گردیده – در آن وجود دارد. در این زمینه کتاب «المذهب فیما وقع فی القرآن من المعرب» نوشته جلال الدین سیوطی، می گوید: «قول صحیح همین است و ابومیسره تابعی بر این باور بوده که در قرآن از

همه زبان های مجاور وجود دارد. این مطلب از سعید بن جبیر و وهب بن منبه نیز نقل شده است.». اینک برخی واژه های غیر عربی که با دگرگونی معرب شده و در قرآن آمده است:

اباریق، جمع ابریق: معرب: آب ریز.

اکواب، جمع کوب: فنجان، کوزه: «یطوف علیهم ولدان مخلصون. باکواب و اباریق».

ارائک، جمع اریکه: تخت. «هم و أزواجهم فی ظلال علی الأرائک متکئون».

تنور، جوالیقی و ثعالبی گفته اند: فارسی معرب است. «و فار التنور».

جناح، معرب گناه. «فمن حج البیت أو اعتمر فلا جناح علیه أن یتوف بهما».

سجیل، اصل آن: سنگ گل کلوخ. «ترمیهم بحجاره من سجیل».

سرداق، معرب: سرادر، در سرا، سرا پرده. «أحاط بهم سرداقها».

سرابیل، جمع سربال: شلوار. «وجعل لکم سربیل تقیکم الحر».

مسجد، که برخی آن را معرب مزگت دانسته اند که به معنای معبد یا عبادت گاه.

بسیاری از پژوهشگران معاصر نیز تحلیل زبانشناسانه نزدیک به نظر الاسیوطی دارند و به عنوان نمونه برآنند که کلمه قرآن واژه عربی نیست بلکه دارای منشای «سیریاک» بوده و این واژه به معنای «کتاب نیایش» دینی که در کلیسای های سوریه رایج بوده می باشد و به علاوه کلیسای شرقی در پیوند تنگاتنگ با مراسم و کتاب یهودیان بوده و قرآن را متأثر ساخته است. همانگونه که «تور ژولیوس افریم اندرا» پژوهشگر اسلام شناس سوئدی می گوید می توان مطرح کرد یکسری آیات قرآنی، در اصطلاحات و سبک بیان خود همان دعاها یهودیان می باشد. به عنوان نمونه در قرآن می آید: «ما را به راه راست هدایت کن». حال آنکه در تورات نیز آمده است: «خدایا به من بیاموز و مرا به راه راستی هدایت کن». این پژوهشگر سوئدی در آثار خود مانند «منشأهای اسلام و مسیحیت» و «محمد، زندگی و دکتزین او» که در سال ۱۹۴۵ به نگارش درآمد معتقد است که محمد از منابع عبری و مسیحی و نیز از مبلغان مذهبی کلیسای نستوریان پارس تأثیر گرفته است.

از نظر زبانشناسان واژه هائی مانند: الله، قرآن، آیت، سوره، عربی نیستند و از ریشه عبری و آرامی می باشند و علت استفاده این کلمات اینست که محمد و اعراب بازرگان به طور فعال با مردم مناطق دمشق و مکانهای دیگر سوریه که به زبان آرامی سخن می گفته اند در ارتباط قرار داشتند و همچنین با اقوام یهود مناسبات تنگاتنگ اجتماعی و زبانی و آئینی داشته اند. در اواخر قرن ۱۹ و ابتدای قرن ۲۰ برخی از پژوهشگران مانند «کارلو فون لاندبرگ» سوئدی (۱۸۴۸/۱۹۲۴)، «مارتین هارتمن» المانی (۱۸۵۱/۱۹۱۸)، «کارل ولر» المانی (۱۸۵۷/۱۹۰۹)، «تئودور نولدکه» المانی (۱۸۳۶/۱۹۳۰)، «آلفونس مینگانا» المانی (۱۸۷۸/۱۹۳۷) معتقدند که بخش بزرگی از قرآن از آواها و سرودها و ترنم های مسیحی منشأ گرفته است. در سال ۱۹۷۰ «گوتتر لولینگ» اعلام کرد که بخش های مهمی از قرآن، از آواهای مسیحی قبل از تولد محمد بوده است. (رجوع شود به کتاب «مسیح طبق نظر محمد»، از «ژرار مردیلا» و «ژرم پریور»، انتشارات سوی فرانسه ۲۰۱۵ برگ ۱۵۰/۱۵۱).

یکی از پژوهشگرانی که در درک از اسلام و مطالعات قرآنی پرسش های اساسی تولید کرد «جان وانسبروک» (۱۹۲۸/۲۰۰۲) می باشد. این پژوهشگر امریکائی در «مدرسه مطالعات شرقی و افریقائی» لندن درس می داد. او تحلیل از قرآن را متکی می کند به فهم و درک اسطوره ها و تصورات تک خدایانه یهودی مسیحی که در قرآن موجود اند. او معتقد است که اسلام از جهش و تغییر و استحاله یک فرقه یهودی مسیحی که در پی گسترش خود در سرزمین عرب بود ناشی شده است. به نظر او قرآن نتیجه جمع آوری دویست ساله، نتیجه کار تلفیقی از منابع

گونگون یهودی و مسیحی است. کار مهم او قطع کردن رابطه زمانی میان محمد و متن قرآنی است. او اعلام داشت که قرآن یک پدیده جدی است و باید به طور جدی تاریخ آن مورد مطالعه قرار گیرد.

بدین ترتیب متوجه می شویم که مطالعات زبانشناسی بخشی از رازهای قرآن را می شکافد و ما را در رابطه و ویژگی زبان قرآن قرار می دهد. زبان قرآن «آسمانی و مقدس» نیست بلکه زبان درحال شدن و تغییر است و به عنوان یک پدیده تاریخی، از دوران خود متأثر است.

تمام نوشته ها در تاریخ بشری نتیجه ملاقات عقل و تجربه و افکار و تناقضات و همسویی های اندیشه و احساس بشری می باشند. فرهنگ ها و ادیان و تجربه ها درهم تنیده اند. اسطوره ها و باورهای انسان ها مهمترین تأثیر را در هنر و بناسازی و پیدایش دین داشته اند. چنان که در مستندات تاریخی به چشم می خورد، در سنگ نبشته ها و متون کشف شده مذهبی برای نمونه «الحانی» در وصف مردوخ الهه سومریان، هنر و خلاقیت در جریان بود و بناگزیر با باورها ترکیب یافته بود. از این میان می توان به آثاری همچون بناهای بابل که ترکیبی از معماری با شکوه آن دوران و نگاهی اساطیری به جهان هستی است، اشاره کرد. کتابخانه ها مجموعه های مرجع بزرگ برای نسخه های آثار دینی و علمی و تاریخی کلاسیک به عنوان يك نهاد، وجه مشخصه تمدن بابل و آشور در اواخر هزاره دوم و اول پیش از میلاد یعنی اواخر عصر برنز (۱۵۰۰ م - ۱۰۰۰ پیش از میلاد) و عصر آهن (۱۰۰۰ پیش از میلاد به بعد) بودند. معابد و کاخ ها و برخی شخصیت ها، مجموعه های متون علمی، دینی و ادبی کلاسیک را در اختیار داشتند. کتابخانه ها تشکیل دهنده بخشی از معابد و کاخ ها بودند و مورد بهره برداری افراد قرار می گرفته اند و از یک سینه به سینه دیگر انتقال داده می شده اند. هر اثر تازه ای افکار پیشینیان را در خود جای می داد و به این ترتیب تمدن انسانی به جلو آمده است. در تمدن و فرهنگ و فلسفه و ادبیات جهانی کنونی نیز این تأثیرپذیری متقابل ادامه دارد. به عنوان نمونه بازگشائی شیوه جدید در بررسی تاریخ قرآن و اسلام توسط «تئودور نولدکه»، سرآغاز تحقیقات جدیدی شد و به دیگران آموخت چگونه از زیر نفوذ اسلامگرایان خارج شوند و تحقیق مستقل علمی خود را سازماندهی نمایند. امروز در تحلیل علمی قرآن، تولید فکری بی نظیری وجود دارد که منبع آموزش نسل های جدید پژوهشگر می باشد. این تحلیل زبانشناسانه و هرمنوتیک در خدمت رازگشائی از قرآن بوده تا ذهن بتواند با استقلال بیشتری عمل کند.

### رازگشائی از زبان قرآن

«کریستف لوکز نبرگ» نام یک پژوهشگر و فیلولوگ المانی است که از تبار لبنانی مسیحی بوده و در دانشگاه المان تدریس می کند. او نویسنده کتاب معروفی زیر عنوان «قرائت سیریاک/آرامی قرآن: مقدمه برای رازگشائی از زبان قرآن» که در سال ۲۰۰۰ به زبان المانی منتشر شد. او برآنست که قرآن در اصل متکی بر «لکسیونر» بوده است. «لکسیونر» کتاب یا مجموعه ای دربرگیرنده آواها و سرودهای دینی مسیحی بوده و منبع وامگیری و تأثیر پذیری قرآن است.

البته پیش از «کریستف لوکز نبرگ» دیگر پژوهشگرانی مانند «آلفونس مینگانا»، «تئودور نولدکه»، «آدلف فون هارناک»، به مطالعات زبانشناسانه و تاریخ قرآن پرداخته بودند. ولی او این عرصه مطالعه تاریخی را گسترش داد و هرچند همه محققان همیشه با او هم نظر نبوده اند، ولی عرصه تحقیقاتی او پرسش های جدی برای اسلام شناسان علمی و آکادمیک باز کرد. او نیز معتقد است که خط قرآنی از ابتدای دین محمد موجود نبوده، حتا نشانه های روی حروف ناممکن بوده و فقط از سده هشتم زبان عربی شکل می گیرد و به فرمان «حجاج بن یوسف» حاکم ناحیه

عراق که در ۶۹۴ تا ۷۱۴ می زیسته است، نشانه گذاری های عربی آغاز می شود. «کریستف لوکزنبرگ» برآنست که قرآن اغلب گنگ و ناروشن است. یکی از علت های برجسته این امر، آنست که قرآن در اصل از سرودهای دینی به زبان سیریاک و آرامی گرفته شده است. کار تحقیقاتی کریستف لوکزنبرگ، تطبیق واژه های قرآن با واژه های سیریاک می باشد و او معتقد است که برخی از آیات قرآنی از زبان سیریاک به عربی بد ترجمه شده است. به عنوان نمونه «حوری» معادل باکره با چشمان سیاه نیست بلکه به معنای انگور سفید است. یا «خاتم النبیین» به عنوان پیامبر «آخرین»، نادرست بوده بلکه به معنای «شاهد و نشانه» است و «خاتم» بیانگر شهادت او به آمدن پیامبران پیشین می باشد. مطلب زبانشناسانه کریستف لوکزنبرگ این واقعیت را یک بار دیگر تأکید می کند که ترجمه ها و تفسیر های دینداران مسلمان قابل اعتماد نیست زیرا از دقت علمی برخوردار نمی باشند.

در همسویی با گفته کریستف لوکزنبرگ باید یادآوری نمود که کار علمی از کار دینی جدا است. تفسیر مسلمانان در باره خاتم که در یکی از سوره های قرآنی آمده، تفسیری جانبدار است و از معنای ابتدائی آن دور شده است. قرآن در آیت ۴۰ سوره احزاب تعبیر خاتم النبیین را برای محمد چنین به کار برده است: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ». از نظر مسلمانان خاتم النبیین به معنای ختمکننده پیامبری است و مسلمانان آن را معادل خاتمیت و ختم کننده می دانند. مسلمانان «خاتم» را به عنوان آخرین گرفته اند، حال آن که «خاتم» به معنای مهر است و در لغتنامه دهخدا چنین آمده است: «خاتم، به کسر تاء و بفتح آن انگشتری است (غیاث اللغات). این مؤلف نویسد که مختار فصحای عجم به فتح است و یکی از ثقات در تألیف خود نوشته که خاتم به فتح تاء فوقانی مهر و انگشتری و جز آن که بدان مهر کنند. پس خاتم به معنای ما یُختم باشد و آن انگشتریست. خاتم به فتح و کسر تاء انگشتری که در دست کنند. مهر و انگشتری نگین کنده که با آنها کاغذ و غیره را مهر کنند و در این صورت بیشتر با فتح استعمال شود. (فرهنگ نظام). خاتم مانند صاحب مهر و انگشتری. حافظ می گوید: گر چه شیرین دهنان پادشاهانند/ ولی آن سلیمان جهان است که خاتم با اوست. خاقانی می گوید: خاتم ملک سلیمانی نگر/ کاندر آن ماهی نهان کرد آفتاب. ناصر خسرو می گوید: به دهر چون صد و هفتاد سال عمر براند/ گذشت و رفت و از او ماند خاتم و افسر...».

توضیح لغتنامه دهخدا تأیید کننده نکته زبانشناسانه کریستف لوکزنبرگ می باشد و خاتم النبیین به معنای آخرین پیامبر نمی باشد. ترجمه مسلمانان جانبدار و ایدئولوژیک بوده و با اهداف اجتماعی و سیاسی انجام شده است. کریستف لوکزنبرگ برآنست قرآن متکی به نوشته های سرود دینی قبل از پیدایشش بوده و کار ترجمه برای کتاب جدید «قرآن»، نادقیق و گاه گنگ است. به همین خاطر «متخصصان مسلمان» دارای دشواری و مشکلات زیادی در باره درک قرآن اند و انواع و اقسام تفسیرهای متفاوت را مطرح می کنند و برآنند که هر آیت دارای حقیقت و راز است زیرا جنبه «آسمانی و الهی» دارد و به اراده الهی، تمام حقیقت خود را آشکار نمی کند. البته این گفته یک ادعای بی پایه است زیرا از نظر کریستف لوکزنبرگ، این جنبه گنگ ناشی از انتقال از زبان سیریاک به رسم قرآنی می باشد و یا این مفاهیم را پیامبر و نزدیکانش در تماس ها و ارتباط های خود با عربهای یهودی و عربهای مسیحی و مسیحیان سوری کسب کرده بودند. از نظر این محقق کلماتی وجود دارند که در قرآن گنگ و ناروشن هستند، ولی همین کلمات در زبان آرامی و سیریاک معنای خود را به طور روشن تر انتقال می دهند. از نظر او قرآن متکی به مجموعه سرود ها و نیایش های رایج در کلیسای مسیحیان سوری می باشد و کار طولانی و متعدد نسل های گوناگونی لازم بود تا این میراث «لیتورژیک» و سرودهای مسیحی به فضای قرآنی منطبق گردد. او می گوید به طور سنتی مسلمانان قرآن را نازل از آسمان می دانند و یا تدوین را به قرن هفتم متعلق می دانند. حال آن که

از نظر این محقق در آن زمان زبان عربی و ادبیات عرب وجود ندارد. ادبیات عرب دو قرن بعد، همزمان با کتاب «السیره النبویه» یا «زندگی پیامبر»، نوشته «ابو محمد عبدالملک بن هشام» مصری که در ۸۲۸ درگذشت، آغاز می شود. ادبیات پساقرآنی دارای پایه ای است که به اعتبار فعالیت زبانشناسی دو متخصص «خلیل بن احمد فراهیدی» و «سیبویه» فراهم می گردد.

از نظر کریستف لوکز نبرگ عربهای اطراف بصره و منطقه «میان رودان» بیشتر مسیحی بودند و زبان نیایشی آنها سیریاک/آرامی بود. این چنین زبانی، تنها زبان کتبی موجود در این منطقه بود. این زبان برای گسترش مسیحیت و زندگی دینی استفاده می شده است. علاوه بر این زبان، آنها از گویش ها و دیالک های دیگری از جمله گویش عربی بیابانی حجازی که شکل اولیه عربی شفاهی بود، استفاده کرده و به این ترتیب یک ترکیب مخلوط از گویش های شفاهی به وجود می آید. مبلغان مذهبی مسیحی راه دیگری نداشتند جز این که زبان فرهنگی و ادبی خود را به کار گیرند و با همین خصوصیت زبانی به مناطق حجاز نزدیک شوند. این وضعیت، همان زمینه ای است که بعدها در دل خود، قرآن را به مرور ممکن می سازد. برای کریستف لوکز نبرگ قرآن انشعابی از کتاب نیایش سوری/آرامی است که دربرگیرنده سرودها و قسمت هائی از انجیل می باشد. این کتاب نیایش یا «لکسیونز» دینی، با هدف تبلیغ در میان جمعیت های دیگر، به احتمال قوی به عربی ترجمه شده است. هدف این ترجمه ایجاد دین جدید نبود بلکه گسترش دین پیشین بود. ناگفته نماند این بخش از نظرات کریستف لوکز نبرگ متکی بر پژوهش متخصص المانی، «گونتر لولینگ» است که در رساله دکترای خود در سال ۱۹۷۰ نشان داد یکسری سوره های قرآنی در اصل همان سرودهای مسیحی می باشند. در زمینه تحقیقات در باره قرآن و اسلام روشن است که نظر یگانه ای وجود ندارد زیرا پیچیدگی های تاریخی و روش های متفاوت پژوهشگران نتایج گوناگونی به بار می آورد. ولی آنچه اساسی است خروج از توضیح جانبدار دینی می باشد.

### دستور زبان عربی را دیگران نوشتند

همانگونه که از تحقیقات کریستف لوکز نبرگ می توان برداشت نمود مردم حجاز فاقد زبان و دستور زبان و نوشتار بودند. در زمان ادعای پیامبری محمد زبان عربی به مثابه یک زبان مشخص و سامانیافته و کتبی وجود ندارد. گویش های شفاهی و ابتدائی و بدوی موجود در این سرزمین از ساختار زبانی معمول کاملاً دور می باشند و روشن است که قرآنی که ما امروز می شناسیم در چنین جامعه ای ناممکن بود. آغاز اسلام با هجوم و جنگ آغاز می شود زیرا پیام صلح و آشتی و همزیستی ندارد و بیانگر تمایل غریزی بیابانگردان و قبایل رقیب و راهزنان و تاجران و چپاولگرانی است که در پی کسب امتیازات و ثروت و تصاحب مال و املاک دیگران می باشند. پس از یک دوره جنگ علیه قبایل و لشکر کشی و تخریب سرزمین های دیگر و شکل گیری قدرت خلیفه گری، این احساس تقویت می گردد که برای ادامه خلافت متنی به مثابه یک منشور سیاسی و حقوقی لازم است. قرآن نویسی به روند زبان سازی تبدیل می گردد. حاکمیت خلافتی و مجموعه ای از کارگزاران ولایت طی سدها سال در این روند دین سازی به جمع آوری یادداشتها و پاره نوشته ها و استفاده از ادیان و آئین های دیگر می پردازند.

سرزمین حجاز دارای مناسبات قبیله ئی و برده دارانه است و فاقد فرهنگ و زبان است. شکل ابتدائی گویش عربی برای اولین بار در اطراف دمشق و بصره کشف شد. مردمان حجاز در مناسبات بسیار پست اجتماعی بوده و نسبت به همسایگان خود حسود و کینه توز بودند. سرزمین محمد فاقد توانائی در ساختاری نمودن زبان و دین بود. سنت شعر شفاهی و نوع فرهنگ بیابانی اجازه نمی داد تا ساختار زبانی متولد شود. زبان عربی به اعتبار کار دو

متخصص غیر حجازی ساخته می شود. یکی از این دو متخصص زبان عربی «خلیل بن احمد فراهیدی» (درگذشت ۷۸۶ میلادی) است که لغت شناسی عرب به نام «العروض» را پدید آورد. او متولد شهر بصره بوده ولی از بقایای خانواده های ایرانی است که به فرمان انوشیروان ساسانی یمن را تصرف کرده و در آنجا ماندگار شدند. «خلیل بن احمد فراهیدی»، سال‌ها به تنظیم و تدریس عروض عربی مشغول بود و گفته می‌شود که رساله‌ای به نام العروض تدوین می کند و در آن به بررسی و طبقه بندی اوزان شعر عرب پرداخت. نوشته دیگر او «العین» است که به نگارش واژگان عرب پرداخته است و همچنین از کتاب دیگر او «النقط و الشکل» باید یادکرد که در باره نظام نوشتاری عربی می باشد. او در پیشبرد کار خود در مورد زبان عربی، از تخصص دانشمندان زبانشناس هندی مانند «پانینی» بسیار بهره می گیرد.

متخصص دوم «سیبویه» ایرانی (درگذشت ۷۹۶ میلادی) است که دستور زبان عربی را به وجود آورد و با انتشار «الکتاب» پایه منطقی علمی زبان عربی را پایه ریزی و محکم کرد و به همین لحاظ او را مبتکر «مکتب بصره» قلمداد نموده اند. سیبویه شیرازی که در شهر بیضا در شهرستان سپیدان از استان فارس متولد شد و به بصره و سپس به بغداد نزد خالد برمکی رفت و در ۴۰ سالگی در شیراز درگذشت. او مبتکر و دانشمند صرف و نحو زبان عربی بود. از کارهای برجسته او نوشتن «الکتاب» در باره صرف و نحو در زبان عربی است. در باره او «این ندیم» می نویسد: «نه پیش از وی کسی مانند آن را تألیف نموده و نه بعد از او کسی تألیف خواهد کرد». کتاب سیبویه به زبان فرانسه در دو جلد در سالهای ۱۸۸۱ و ۱۸۸۹ ترجمه شده است. اهمیت تاریخی سیبویه بدین خاطر است که او نخستین شخصی بود که برای زبان عربی دستور صرف و نحو نوشت و صداها را در این زبان تعریف نمود؛ بنابراین، نشانه هائی مانند ضمه، فتحه، کسره و تنوین‌ها اختراع و کار سیبویه ایرانی است. او با این اختراع به نام «سیبویه نحوی» مشهور شد. این ابتکار سیبویه در آن زمان یک شاهکار بود. بدون کار سیبویه تنظیم و پیشرفت زبان عربی میسر نبود.

به این ترتیب، این دانشمندان غیر عرب بودند که برای اعراب دستور زبان (صرف و نحو) نوشتند. برخی بر این باوراند که اگر سیبویه ایرانی برای زبان عرب صرف و نحو نوشته بود این زبان در نوشتار همانند لهجه (گویش) نمی توانست هماهنگ باشد و دارای منطوق گردد. باتوجه به آنچه گفته شد در زمان محمد و خلفاء، از نظر دستوری قرآن فاقد زبان بود و نمی توانست موجود باشد و به علاوه از نظر محتوایی قرآن محصول وامگیری های تاریخی و فرهنگی بسیار متعدد بوده است. این تحقیقات به روشنی نشان می دهد که قرآن از آسمان نازل نشده است، قرآن بر زبان منظم و منطقی استوار نیست و به طور اساسی آنچه که امروز به عنوان قرآن است، محصول حداقل دو قرن زبان سازی، وامگیری از فرهنگ و دین دیگران، یک اراده سیاسی و دین سازی است.

### نسخه های «صنعا» و بن بست تاجر فکری اسلامی

در نوشته های پیش نشان دادم که قرآن هیچ گاه نسخه واحد و یگانه ای نبوده است و در طول یک دوران دراز، توسط کاتبان و قرآن نویسان متفاوت تهیه شده است. تمام تحقیقات و کشف متون قرآنی در نقاط مختلف، رازها را آشکار ساخته و تاریخ قرآن را در برابر ما قرار می دهد. تاریخچه «نسخه های صنعا» فصل جالب دیگری در این تاریخ نگری به شمار می آید. پیدا شدن نسخه های «صنعا» رویداد برجسته جدیدی برای همه پژوهشگران بین المللی در زمینه تاریخ قرآن به شمار می آید. متخصصان و پژوهشگران المانی و فرانسوی نقش درجه یک در این کار تحقیق داشته اند و من به عنوان یک پژوهشگر ایرانی معتقدم که تحقیقات بی شمار دیگری لازم است تا بخش های



تاریک قرآن شناسی و اسلام شناسی روشن گردد، ولی آنچه که محققان المانی و فرانسوی انجام داده اند اساسی و تاریخساز است. نسخه های قرآن صنعا در یمن بنابر تحقیقات کنونی از قدیمی ترین نسخه های قرآن محسوب می شوند. تحقیقات بر روی این نسخه های جالب از ابتداء زیر مسؤولیت پژوهشگر بزرگ المانی «ژرد رودیگر پوئین» قرار گرفت و کاربرگ ضبط و نگهداری سامان یافت.

در سال ۱۹۷۲ به دنبال بارش بسیار دیوار قدیمی مسجد بزرگ صنعا فرومی ریزد و کارگرانی که در آنجا بودند به طور اتفاقی حدود هزار نسخه متفاوت یک دستنوشته که روی کاغذ و پارشومن بود را کشف نموده و همه این نسخه ها را در بیست گونی سبب زمینی جمع آوری کرده و در پله های گلدسته مسجد قرار می دهند. به دنبال این رویداد، مسؤولان آثار باستانی یمن متوجه اهمیت این نسخه ها شدند و خواستار کمک جهانی شده و در سال ۱۹۷۹ یک پژوهشگر المان غربی دولت خود را تشویق می کند تا برای نجات این نسخه ها بودجه لازم را در نظر بگیرد. با توافق مسؤولان المانی، دو محقق بزرگ «ژرد رویگر پوئین» و «هانس گاسپار گراف فون بوتتر» با کربن ۱۴ به بررسی نسخه ها پرداختند. پوئین تاریخ گذاری نسخه ها را بین سال ۶۵۷ تا ۶۹۰ میلادی دانسته حال آن که فون بوتتر تاریخ نسخه ها را سال ۷۱۰ تا ۷۱۵ در زمان خلیفه بنی امیه الوالید ارزیابی می کند. جان وانسبروگ متخصص امریکائی، ایگناس گلدزیهر (اسحاق یهودا) متخصص مجارستانی معتقد اند که نسخه های صنعا به اوائل قرن هشتم یعنی یک قرن پس از مرگ محمد تعلق دارد. متخصصان دیگری مانند «فرانسوا دروش» فرانسوی و «ون بوتتر» بر پایه دستنوشته های دوران بنی امیه احتمال می دهند که منشای این نسخه ها به سالهای ۷۱۰ تا ۷۱۹ میلادی، برمی گردد. باید افزود که براساس گفته فرانسوادروش، در مقاله اش «سفر به منابع قرآن مقدس»، نسخه های صنعا از ۹۲۶ قرآن مختلف ریشه گرفته است و قدیمی ترین آنها به قرن اول هجری برمی گردد. (۳ جنوری ۲۰۰۵).

آغاز کار تحقیقی روی نسخه ها بسیار سنگین بود زیرا حجم کار و نوین بودن روش تحقیق و محدودیت های سیاسی و امنیتی، کار را بسیار دشوار می نمود. پس از یک دوره تدارکاتی، دکتر پوئین، استاد دانشگاه «سار» المان، متخصص خط های کهن و نوشته های تاریخی، با دقت علمی نسخه ها را سامان دهی نموده و اعلام می کند که این نسخه ها کاملاً مطابق بر سنت نیست و دارای تفاوتی در نگارش، رسم، دیکته و تزئینات می باشند. از نظر او برخی نسخه ها در سبک حجازی است و برخی نسخه ها روی نوشتارهای پاک شده تنظیم شده است. به دنبال پیگیری دکتر پوئین از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۶ از مجموعه ۴۰۰۰۰ صفحه کشف شده، تعداد ۱۵۰۰۰ صفحه با حفظ تمام مشخصات اصلی و کهن خود، بازسازی گشت. نشریه معتبر، ماهنامه امریکائی، «اتلانتیک مونتلی»، در گزارشی از کار دکتر پوئین در جنوری ۱۹۹۹ اعلام داشت: برخی نسخه ها به قرن هفتم و هشتم میلادی برمی گردد، ولی برخی نسخه ها خلاف اعتقاد رسمی مسلمانان، کهن تر از پیدایش قرآن هستند. این گزارش مقامات دولتی یمن را حساس نموده و تردید آنها را برای همکاری های بعدی افزایش داد. همانگونه که گفتیم علی رغم دشواری ها، گروه پژوهشگران المانی ۱۵۰۰۰ برگ نسخه های صنعا را پاک و آماده بهره برداری نمودند و به علاوه پرفسور «هانس گاسپار گراف فون بوتتر» با اجازه مقامات یمنی ۳۵۰۰۰ تصویر و میکروفیش تهیه کرده و به المان انتقال داد. با این وجود مقامات یمنی شرایط کامل همکاری را به وجود نیاورده زیرا نگران نتایج انتشار می باشند.

از جمله مشخصات این نسخه ها کدامند؟

یکم، در نسخه های صنعا، نه تنها رسم نگارش متفاوت است بلکه واژه ها همیشه یکی نیستند و جمع و مفرد مختلف است.

دوم، در روی کاغذهای این نسخه های قرآن، نوشته قدیمی تر وجود داشته که پاک شده و سپس دوباره روی آن بازنویسی شده است. با پرتونگاری متن قدیمی تر قرآن نمایان می گردد. نسخه زیرین با رنگ کمرنگ تری مشخص می شود که در واقع نسخه کهن تر قرآن است.

سوم، این نسخه ها دارای ساماندهی متفاوت از آیات می باشند و آیات از ترتیب قرآن رسمی کنونی برخوردار نیستند.

چهارم، در این نسخه ها واژه های غیر عربی وجود دارند.

پنجم، در این نسخه ها آیات پشت سر هم قطار شده و با عدد از هم تفکیک و جدا نمی شوند.

ششم، در این نسخه ها واژه ها فاقد واژه ها (مُصَوِّت‌ها) می باشند.

هفتم، بخش های زیادی از آیات این نسخه ها، گنگ و غیر قابل فهم می باشند.

در واقع کالبد شکافی نوشتاری نسخه های صنعا یک بار دیگر، نشان دهنده این واقعیت است که قرآن دارای یک تاریخ است و در طول تاریخ و در جغرافیای گوناگون و متناسبت با سلیقه ها و دانش افراد دستخوش تغییرات گشته است. البته در این تحلیل ما نمی توانیم خواست قدرت سیاسی زمانه را نادیده بینگاریم. قدرت سیاسی نسخه ای را رایج می سازد تا اتوریته دولتی و قدرت آسمانی به هم نزدیک شده و مصالح کشوری به نفع او رعایت شود. ولی در عمل این «نسخه» دارای منشأهای گوناگون و شخصیت های متفاوت بوده و هرگز نمی توانست به طرز مطلق یگانه باقی بماند. در حقیقت امر قرآن از همان ابتداء قرآن نبود. آنچه که بعدها قرآن نامیده شد، یادداشتها و تکه پاره ها و نوشتارهای گوناگونی است که طی یک روند متضاد تنظیم و نگارش، جمع می گردند و این گردآوری به مرور زمان دقیق تر می شود. تحلیل تبارگرایانه و تاریخی نسخه های صنعا به پایان خط نرسیده است زیرا همه پژوهشگران علمی قرآن می دانند که حجم کار بسیار گسترده است و کار تحقیقاتی پایان نیافته است. به خصوص آن که سیاست و فرهنگ مذهبی در کشورهای مسلمان در تناقض با پژوهش آکادمیک و هرمنوتیک می باشد و موانع تحقیق بیشمارند. عربستان سعودی مخالف تحقیقات گسترده در عرصه باستانشناسی و بافت های تاریخی اسلام است. بحران های دولت یمن و جنگ های داخلی و تروریسم موجود در این کشور هر کار سامان یافته ای را پایشان می کند. تمام دولتمردان سیاسی این کشورها خواهان حفظ دگم ها و جزئیات قرآنی هستند و براحتی هر تحقیق و هر نتیجه ای را قبول نمی کنند. در سالهای اخیر چند محقق عرب که با دانشمندان غربی در مورد نسخه های صنعا همکاری می کنند مجبور شده اند تا در حالت مخفی بمانند یا کشور خود را ترک کنند زیرا امنیت جانی برایشان فراهم نیست.

به طور مسلم لازم است تا در جهان و در جوامع مسلمان کار پژوهشی در باره نسخه های صنعا ادامه یابد و دامنه دانش علمی وسیع تر گردد. بعد از ۱۴۰۰ سال دین خوئی و مسخ شدگی و پخش خرافات و استبداد دینی و سکوت، پژوهش علمی در مورد قرآن و اسلام باید ادامه یابد. دنیای اسلام که در بیسوادی و اعتقاد دینی و بی تحرکی فلسفی و سکون فکری غوطه ور است، باید با توسعه خرد علمی و با انتقاد از جزئیات فلج کننده دینی و قرآنی، تکان بخورد. برای ایجاد تحرک فکری و مبارزه علیه از خود بیگانگی، کار تحقیقی و نقد دینی را باید ادامه داد. دولتها و نخبگان مذهبی و روشنفکران مسخ شده به مانع تراشی های خود ادامه خواهند داد. ولی ما دانشگاہیان و پژوهشگران و روشنفکران آزاداندیش با شجاعت کار فکری را باید پیگیری کنیم و از همه دانشمندان و پژوهشگران

در این زمینه باید پشتیبانی نمائیم. پروفیسور پوئین خود اعلام داشت که تنها راه برای شکستن سکوت، اثبات این امر است که قرآن دارای یک تاریخ است و نسخه های صنعا در این راه به ما کمک شایانی می کند. پروفیسور «پوئین» می گوید: «بسیاری از مسلمانان بر این باوراند که هر چیزی در مجلد قرآن می یابند، کلام تغییر نیافته خداست. آنها می گویند تحقیقات نشان می دهد که انجیل تاریخ مند است و به طرز مستقیم از آسمان پائین نیفتاده است، اما تا الان این حرف درباره قرآن صادق نیست. تنها راه برای شکستن این ایده متحجرانه این است که ثابت کنیم قرآن هم تاریخی دارد. نسخه صنعا کمک می کند که ما این را به مسلمانان نشان دهیم.» (ادامه دارد).

#### منابع برای این نوشته:

«تور ژولیوس افریم آندرا»، «منشأهای اسلام و مسیحیت» و «محمد، زندگی و دکتترین او».  
«ژرار مردیلا»، «ژرم پریور»، کتاب «مسیح طبق نظر محمد» انتشارات سوی فرانسه ۲۰۱۵.  
«کریستف لوکز نبرگ»، «قرائت سیریاک/آرامی قرآن: مقدمه برای رازگشائی از زبان قرآن»  
«جان وانبروگ»، «مطالعات قرآنی، منشأ و روش تفسیر»، آکسفورد، ۱۹۷۷.  
جلال ایجادی، «جامعه‌شناسی آسیب‌ها و دگرگونی‌های جامعه ایران».  
نام پژوهشگرانی که در این نوشته یادآوری شده اند:

Tor Julius Efraim Andræ, Christoph Luxenberg, Mehdi Azaiez, Mohamed Arkoun, Mohammad Ali Amir-Moezzi, François Déroche, Hans-Caspar Graf von Bothmer, Gerd Rüdiger Puin, John Edward Wansbrough, Ignác (Isaac Yehouda) Goldziher, Carlo von Landberg, Martin Hartemann, Karl Vollers, Theodor Noldeke, Alphonse Mingana.